صداپیشگی میشل یو

میشل یو و ساندرا او در فیلم «شاگرد ببر» با یکدیگر همراه می‌شوند. این دو صدایشان را به دو شخصیت اصلی انیمیشن جدید شرکت کامپیوتری پیکسار قرض می‌دهند. کارلوس بیانا، کارگردانی این کمدی اکشن ماجراجویانه را به‌عهده دارد. فیلمنامه اقتباسی فیلم با نگاهی به داستان کودکانه‌ای به همین نام اثر لاورنس یاپ نوشته شده است. این داستان درباره بچه‌ای اهل سانفرانسیسکوست که ملاقاتش با ببری سخنگو، ماجراهایی می‌آفریند. /امپایر

استایلز جایگزین لابوف

هری استایلز که در اولین فیلمش «دانکرک» خوش درخشید، جایگزین شیا لابوف در «نگران نباش عزیزم» شد. قبل از این کریس پاین و فلورنس پوگ برای بازی در دو نقش مهم دیگر این درام پرتنش انتخاب شده‌اند. الیویا وایلد، کارگردان فیلم است و داستان آن در صحرای کالیفرنیا در دهه ۵۰ میلادی اتفاق می‌افتد. تمرکز اصلی داستان روی جامعه‌ای اتوپیایی و آدم‌های درون آن است. /ورایتی

چهره خبرساز

بی‌قراری دواین جانسون برای «بلك آدام»

قهرمان سابق کشتی کج که حالا برای خودش قهرمان گونه اکشن شده، با خوشحالی اخبار مربوط به فیلم تازه‌اش «بلك آدام» را بازنشر می‌کند. دواین جانسون که در بین طرفداران و تماشاگران سینما با نام راك شناخته می‌شود، می‌گوید بی‌صبرانه در انتظار اکران عمومی این اکشن کمیك‌استریپی است. او که با این فیلم وارد دنیای ابرقهرمانانه داستان‌های دی‌سی کامیکز شده، امیدوار است که هرچه زودتر کار ساخت آن آغاز شود. بازیگر هر چند روز یك‌بار، خبرهای مربوط به پیش‌تولید فیلم را در توییتر به اشتراك می‌گذارد. اهل فن می‌گویند او با این کار قصد دارد به صورت غیرمستقیم به سازندگان فیلم فشار بیاورد که کار فیلمبرداری را هر چه زودتر شروع کنند.

داستان مصور بلك آدام تفاوت‌هایی با بقیه داستان‌های این‌گونه محبوب دو دنیای سینما و ادبیات دارد. شخصیت بلك آدام یك برده بود که در جامعه سنتی خندق، به قدرت‌های ویژه‌ای دست پیدا می‌کند. او که ۵۰۰۰ سال قبل به‌دنبال عدالت و احیای آن بود، دستگیر و زندانی می‌شود. سال‌ها بعد، او با فرار از زندان تلاش خود برای اجرای عدالت را از سر می‌گیرد.

جائومه کولت سرا وظیفه کارگردانی بلك آدام را به‌عهده دارد. او این فیلم را برای نمایش عمومی در دسامبر ۲۰۲۲ آماده می‌کند و گفته امیدوار است بتواند کلید فیلمبرداری آن را تا قبل از فرارسیدن فصل زمستان پیش رو بزند. قبل از این قرار بود فیلم برای نمایش عمومی در دسامبر ۲۰۲۱ آماده شود. شرکت مستقل فیلمسازی نیولاین بلك آدام را با هزینه‌ای ۷۰ میلیون دلاری تهیه کند. از این اکشن فانتزی علمی - تخیلی به‌عنوان اسپین‌آفی بر اکشن ابرقهرمانانه «شزم!» اسم برده می‌شود. شخصیت بلك آدام نقش کوتاهی در این فیلم داشت. بعد از موفقیت مالی شزم!، تهیه‌کنندگان فیلم به فکر تولید فیلم مستقلی در رابطه با شخصیت بلک آدام افتادند. /هالیوود ریپورتر

«پلتفرم / سکو» در مرکز توجه منتقدان و تماشاگران کنجکاو قرار گرفته است

سختی زنده ماندن

کیکاووس زیاری

سینمای جهان

سینمای اسپانیا همیشه فیلم‌هایی برای شوکه کردن تماشاگران داخلی و خارجی دارد و هر چند وقت یك‌بار، اثری غیرمتعارف و گیج‌کننده در معرض دید و قضاوت منتقدان و تماشاگران جدی قرار می‌دهد. «پلتفرم / سکو» نمونه تازه‌ای از این نوع فیلم‌هاست که داستان علمی - تخیلی خود را به زبانی دلهره‌آور و ترسناك تعریف می‌کند. با توجه به نام اسپانیایی فیلم، می‌توان آن را حفره هم معنی کرد که در ارتباط کامل با داستان آن قرار می‌گیرد. مکان اصلی که کل داستان در آن اتفاق می‌افتد، حفره نام دارد. حفره، زندانی عمودی و ۳۳۳ طبقه‌ای است که شاید در دنیای واقعی، نتوان مشابه‌اش را پیدا کرد. این زندان عمودی از طبقه‌های مختلف تشکیل شده و هر طبقه فقط گنجایش دو نفر را دارد. (جمع ترکیب دو نفره زندانیان با تعداد طبقات، عدد ۶۶۶ را نشان می‌دهد که عدد معرفی‌کننده شیطان است) زندانیان هر طبقه مدت محکومیت خودشان را به صورت ماهانه و برحسب شانس، در یکی از این طبقات می‌گذرانند. سکویی در طول روز از بالا به پایین حرکت می‌کند. این سکو حامل غذا برای زندانیان بخت برگشته است. طبیعی است که بالادست‌نشینان بیشترین نفع را از سکوی غذا می‌برند. هر چه سکو به سمت پایین می‌رود، غذاها کمتر شده و زندانیان طبقات پایینی مجبور به خوردن پس مانده‌های طبقات بالاتر هستند. از آنجاکه سکوی غذا بیشتر از دو دقیقه در هر طبقه‌ای توقف نمی‌کند، غذا خوردن زندانیان هر طبقه به نوعی حالت تنازع بقا پیدا می‌کند. هر فردی که در طبقه پایین قرار دارد، اگر شانس با او همراهی کند و ماه بعد در طبقه بالاتر قرار بگیرد، تلاش می‌کند حرص و طمع بالانشینان سابق را جواب داده و با خوردن مقدار بیشتری غذا، از آنها انتقام بگیرد. این چرخه همین‌طور ادامه دارد و نمی‌توان پایانی برایش متصور شد. در چنین شرایطی، زنده ماندن به هر قیمتی حرف اول و آخر را می‌زند و امیدی به نجات هیچ‌یك از زندانیان نیست.

گالدر گازتلو اوروتیا، کارگردان سکو؛ فیلمش را براساس داستانی از پدرو ریورو ساخت. زمانی که او طرح داستان را برای مدیران شبکه نتفلیکس تعریف کرد، آنها از شنیدن داستانی تا این حد عجیب و غریب شگفت‌زده شدند. اما از آنجاکه هزینه تولید چندانی نمی‌طلبید، حاضر به سرمایه‌گذاری روی آن شدند. سکو با وجود داستان غیرمتعارف خود، توانست جایزه انتخاب مردمی جشنواره بین‌المللی تورنتو را در سال گذشته از آن خود کند! برای اهل فن بسیار باعث تعجب و البته جالب توجه بود که فیلمی با مشخصات سکو بتواند تا این حد مورد توجه تماشاگران قرار گیرد. مدیران نتفلیکس فیلم را ۲۰ مارس ۲۰۲۰ به صورت استریم روی اینترنت قرار دادند و باز هم در کمال تعجب، توانست انبوه تماشاگران را جذب خود کند و مورد توجه عمومی قرار گیرد. نقش اصلی فیلم را ایوان ماساگ، بازیگر محبوب اسپانیایی‌ها بازی کرده است. او در نقش گورنگ، مرد میانسالی است که از طریق هم‌سلولی‌اش متوجه حضور در زندانی جنگل‌گونه می‌شود که به‌دست آوردن غذا بسیار سخت و یك‌جور تنازع بقاست. در حالی که هم‌سلولی گورنگ به‌دلیل قتل در حال گذراندن یك سال حبس خود است، گورنگ داوطلبانه به‌دنبال گذراندن حبسی شش ماهه است. او قرار است در ازای حبس، مدرکی را دریافت کند. طی چند ماهی که گورنگ در سکو زندانی است، شاهد تبعیض‌ها و نابرابری‌های فراوانی است و در سرنوشت تلخ و سخت بقیه زندانی‌ها شریك می‌شود.

منتقدان استنباط‌های زیادی از داستان سکو کرده‌اند و عقیده دارند فیلم به‌دنبال بحث کردن درباره تعداد زیادی از مشکلات و مصائب جامعه بشری است. به باور آنها، سکو استعاره‌های بسیار زیادی دارد و براساس آن حرف‌های زیادی مطرح می‌کند. در عین حال، گروهی از منتقدان بر این باور هستند که همین کلی‌گویی و بیان تعداد زیادی حرف و استعاره، مشکل فیلم است و تلاش برای گفتن بسیاری از مسائل، آن را عقیم می‌گذارد. با تماشای دوباره فیلم، تماشاچی متوجه می‌شود داستان فیلم به‌دنبال مطرح کردن موضوعاتی همچون حرص و طمع آدمی، تقابل سوسیالیسم و سرمایه‌داری، عصیان علیه مظاهر پول‌پرستی، همدردی با رنگین‌پوستان، شورش علیه شیطان (که با عدد ۶۶۶ همراه است)، بازگشت به مذهب، مبارزه طبقاتی، جبرگرایی، تلاش برای ساخت آرمانشهر و... است. اما از آنجاکه زمان یك فیلم سینمایی محدود است، کارگردان نمی‌تواند تمام حرف‌هایش را بزند و به نتیجه مطلوب و مورد نظرش برسد. گالدر گازتلو اوروتیا، کارگردان فیلم پیام اصلی و محوری آن را این‌طور بیان می‌کند: «نسل بشر مجبور است به سمت تقسیم عادلانه رفاه برود تا خوشبخت شود.» او عقیده دارد داستان فیلمش به‌دنبال مکاشفه‌ای عمیق در روحیات و حالات آدمی در دوران چرخش‌های تند تاریخی و تغییرات سیاسی جامعه معاصر است و همزمان به نقد هر دو سیستم سوسیالیستی و کاپیتالیسم می‌پردازد. با این وجود، برخی منتقدان به لحن تئاتری فیلم ایراد می‌گیرند. واقعیت این است که داستان فیلم، برگرفته از نمایشی تئاتری است. کارگردان برای این که لحن تئاتری نوشته و داستان را بگیرد و آن را مناسب فیلمی سینمایی کند، اکشن و تحرك شخصیت‌ها را بیشتر کرد و با استفاده از عناصر فیزیکی تلاش کرد این نقص را برطرف کند. البته خود کارگردان برگردان یك متن تئاتری به فیلمنامه‌ای سینمایی را، یك شکنجه سخت روحی و روانی عنوان کرده است.

سینمای خاص

سینمای مردم‌پسند همیشه از داستان‌های دم‌دست و ساده برای محصولات خود استفاده می‌کند، اما سینمای غیرمتعارف خودش را مقید به رعایت این نکته نمی‌داند. در فیلم‌های غیرمتعارف که معمولا تماشاگران خاص خود را دارد، داستان‌هایی تعریف می‌شود که معمولا سینمای عامه‌پسند سراغ آنها نمی‌رود. این داستان‌ها همیشه لایه‌هایی زیرین داشته و داستانك‌هایی را در دل خود دارند که در ارتباط با داستان اصلی هستند و آنها را تکمیل می‌کنند. خود این داستان‌ها هم به طرح موضوعاتی جدی می‌پردازند و قصد بیان مشکلات و معضلات جامعه و مردم آن را دارند.

اما در همین سینمای غیرمتعارف گاهی اوقات فیلم‌هایی پیدا می‌شود که حتی برای قشر روشنفکر و تماشاچی خبره هم سنگین هستند و داستان‌هایی به‌شدت غریب و دور از ذهن را تعریف می‌کنند. نمونه‌های این فیلم‌ها البته بسیار کم هستند و دنباله‌رویی در بین هنرمندان ندارند. در سینمای غیرمتعارف ایران هم وضعیت همین‌گونه است. اواخر دهه ۶۰ که جشنواره فیلم فجر مرور بر آثار آندری تارکوفسکی و سرگئی پاراجانوف را برگزار کرد، چند فیلمساز را تحت تاثیر خود قرار داد. فیلم‌هایی چون «نار و نی» هم ساخته شد، که به‌شدت وام‌دار کارهای این دو فیلمساز بود. اما تولید این‌گونه فیلم‌ها بسیار محدود بود و خیلی زود از مد افتاد.

تازه‌های تولید

انتقال «ایوان هنسن عزیز» از تئاتر به سینما

یکی دیگر از نمایش‌های موزیکال بسیار موفق برادوی، تبدیل به فیلم سینمایی می‌شود. بعد از چند اقتباس سینمایی از نمایش‌های پربیننده تئاتری مرکز برادوی، حالا نوبت به «ایوان هنسن عزیز» رسیده که راه خود را به روی پرده سینما باز کند. شرکت یونیورسال تهیه‌کننده این اقتباس سینمایی است و آن را با هزینه‌ای ۴۵ میلیون دلاری جلوی دوربین می‌برد. استفان چبوسکی، کارگردانی فیلم را براساس فیلمنامه‌ای از استیون لونسون انجام می‌دهد. لونسون، نویسنده کتاب ایوان هنسن عزیز است که کار نگارش نمایش تئاتری و تبدیل این داستان برای اجرای صحنه‌ای را هم به‌عهده داشت.

بعد از انتخاب ایمی آدامز و بن پلات برای بازی در دو نقش مهم فیلم، جولین مور دیگر چهره سرشناسی است که به جمع بازیگران پیوسته است. تعدادی از بازیگران نمایش صحنه‌ای ایوان هنسن عزیز هم، در نسخه سینمایی نقش‌های تئاتری‌شان را بازی و تکرار می‌کنند. پلات که نقش خود در نسخه تئاتری را تکرار می‌کند، در قالب شخصیت ایوان هنسن ظاهر خواهد شد. او برای ایفای این نقش روی صحنه برادوی موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد مراسم تونی (اسکار تئاتری) شد.

او جوانی به ظاهر احمق و بزدل است که دروغش باعث ایجاد مشکلات بسیار زیادی برایش می‌شود. او ادعا می‌کند که بهترین و صمیمی‌ترین دوست یکی از هم‌کلاسی‌هایش که خودکشی کرده، بوده‌است. این دروغ ایوان را در مرکز توجهات قرار می‌دهد، اما زمانی که حقیقت فاش می‌شود او باید تاوان دروغی را که گفته پس بدهد. جولین مور مادر ایوان و ایمی آدامز مادر نوجوانی است که خودکشی کرده است. این دو شخصیت، نقش بسیار مهمی در داستان فیلم دارند. /اسکرین اینترنشنال

شگفتی هفته

«سریع و خشن» در کهکشان!

آیا می‌توان باور کرد که داستان قسمت جدید مجموعه اکشن و ماجراجویانه «سریع و آتشی» سر از فضای لایتناهی و کهکشان درمی‌آورد؟! ظاهرا باید باور کرد، حتی اگر تصور کردنش هم سخت باشد. خبرهایی که از داخل شرکت یونیورسال به گوش می‌رسد، حکایت از درستی این موضوع می‌کند. به این ترتیب، باید منتظر ماند و دید دومینیك تورتو (وین دیزل) و دوستان عشق ماشین او قصد دارند چه نوع ماجراجویی را در دل کهکشان به راه بیندازند. مجموعه سریع و آتشی داستان گروهی از سارقان را تعریف می‌کند که با ماشین‌های سریع‌السیر خود، در هر قسمت راهی یك ماجراجویی عجیب و غریب می‌شوند که یك سر آن اختصاص به مسابقات اتومبیلرانی دارد. حالا این که چطور می‌شود آدم‌هایی از این دست سر از فضای لایتناهی درآورند، نکته‌ای است که فیلمنامه‌نویسان قسمت جدید باید درباره‌اش توضیح بدهند. آیا شخصیت‌های فیلم قرار است با موجودات بیگانه فضایی یك مسابقه اتومبیلرانی به راه بیندازند؟!

وین دیزل، بازیگر اصلی فیلم و بقیه همکارانش فعلا در این رابطه سکوت کرده‌اند و چیزی به خبرنگاران کنجکاو نگفته‌اند.

جاستین لین، کارگردان نهمین قسمت فیلم که چهار سال قبل دست به احیای موفقیت‌آمیز این مجموعه اکشن زد، اعلام کرده تماشاگران قسمت تازه باید منتظر شگفتی‌هایی جذاب باشند و قرار است آنها با دیدن فیلم شگفت‌زده شده و نوع تازه‌ای از ماجراجویی‌های و دوستانش را تجربه کنند. سریع و آتشی ۹ قرار بود ماه می اکران عمومی شود. اما ویروس کرونا نمایش عمومی آن را هم بسیاری از محصولات پر سروصدای هالیوودی به تعویق انداخت. حالا این فیلم برای دوم آوریل سال آینده میلادی روی پرده سینماها خواهد رفت. /ددلاین

جدول گیشه نمایش

«انگاره»، صدرنشین، اما ناموفق!

«انگاره» درام دلهره‌آور و علمی - تخیلی کریستوفر نولان برای سومین هفته متوالی صدرنشین جدول هفتگی گیشه نمایش سینماهای آمریکای شمالی شد. فیلم این مقام را با فروشی ۵ میلیون دلاری از آن خود کرد. اکران عمومی اولین فیلم بزرگ و پرهزینه هالیوودی در آمریکا در شرایطی است که هنوز تعداد زیادی از سالن‌های نمایش در ایالت‌های بزرگ، اقدام به بازگشایی مجدد نکرده‌اند. سینماهای کالیفرنیا و نیویورك که بخش مهمی از فروش جدول گیشه را رقم می‌زنند، هنوز بسته هستند.

فروش کلی سه هفته‌ای انگاره در آمریکای شمالی به رقم ۳۶ میلیون دلار رسیده‌است. فروش فیلم در بقیه کشورهای دنیا هم حدود ۲۱۵ میلیون دلار بوده است. فروش کلی جهانی ۲۵۰ میلیون دلاری فیلم، توانسته فقط رقم تولید و بازاریابی آن را تامین کند. به گفته مدیران شرکت برادران وارنر که انگاره را تهیه کرده‌اند، فروش روزهای آینده آن در سینماهای جهان سود ناشی از تولید فیلم خواهد بود. از آنجاکه استقبال تماشاگران از انگاره در حد انتظار اهالی هالیوود نبوده‌است، شرکت‌های بزرگ فیلمسازی دوباره به فکر جابه‌جایی زمان اکران عمومی محصولات پرسروصدا و گران‌قیمت خود افتاده‌اند. از داخل این شرکت‌ها خبر می‌رسد که آنها نگران آن هستند که مردم از فیلم‌های آنها هم استقبال خوبی نکنند و کارهایشان شکست تجاری بخورد. مدیران والت دیزنی اولین کسانی بودند که دست به تغییر زمان نمایش فیلم‌های بزرگ خود زدند. در حالی که قرار بود قسمت تازه اکشن کمیك‌استریپی «واندر وومن» برای دوم اکتبر راهی پرده سینماها شود، حالا خبر می‌رسد که باز هم زمان نمایش عمومی آن به تعویق افتاده است.

دومین فیلم جدول گیشه، اکشن فانتزی «موتانت‌های جدید» با فروشی ۱/۵ میلیون دلاری است. این فیلم هم طی سه هفته نمایش عمومی توانسته ۱۷ میلیون دلار فروش کند. سومین فیلم جدول اکشن تازه واردی به نام «کافر» با فروشی زیر ۱/۵ میلیون دلار است. داستان این فیلم دلهره‌آور در اروپای شرقی رخ می‌دهد. /باکس‌آفیس